

بسمه تعالی

مقدمه شارح فارسی

شرح فارسی

دیوان ابوالعلاء معری (سقط الزند)

دکتر محمود ابراهیمی



بسیار گرانبها و مفید بقلم دانشمند محترم شرف‌الدین خراسانی (شرف)
خ ۱۰/۶-۲۵ برشته نجرم در آمده است که مشفقان و علاقه‌مندان بشغافقت
احوال بیشتر این نادره زمان و نایفه دوران و نحوه اشعار ایشان در جمیع
میدهم ابوالعلاء معری را که در سال ۱۰۰۰ هجری در شهر نیشابور در ۲۷
ربیع‌الاول سال ۱۰۰۰ هجری در آذربایجان در ۱۳ دسامبر ۹۷۳ میلادی دنیا آمده است.
این شهر در پنجاه مایلی بجنابا که از نیشابور می‌باشد واقع شده است و بنای آن
را نصحانی بزرگوار نعمان بن بشیر بن سنان بن ابوالفضل در آن کودکی
بر اثر بیماری آبله کور شد. چون در آن زمان علم و ادب و قضاء

۱۳۷۳ - ۱۳۷۲

ابراهیمی، محمود. ۱۳۱۹ - . شارح.

شرح دیوان سقط الزند ابوالعلاء معری / نویسنده محمود ابراهیمی. -
سنندج: انتشارات دانشگاه کردستان. ۱۳۸۱.
۵۳۹ ص.

ISBN 964-7425-17-1

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

۱. ابوالعلاء معری. احمد بن عبدالله. ۳۶۳ - ۴۴۹ ق. سقط الزند - نقد
و تفسیر. ۲. شعر عربی - قرن ۵ ق. - تاریخ و نقد. الف. ابوالعلاء
معری. احمد بن عبدالله، ۳۶۳ - ۴۴۹ ق. سقط الزند. شرح ب. عنوان. ج.
عنوان: سقط الزند. شرح.

۸۹۲/۷۱۳۴

۲ الف ۷۰۸ س / PJA ۳۸۷۴

الف ش / س ۱۷۹

۱۳۸۱

۸۱-۳۱۰۳ م

کتابخانه ملی ایران



دانشگاه کردستان
خیابان پاسداران، دانشگاه کردستان، انتشارات دانشگاه کردستان
تلفن: ۶۳ - ۶۶۶۰۰۶۰ - ۶۶۶۰۰۷۰ نمابر: ۶۶۶۰۰۷۰

نام کتاب: شرح دیوان سقط الزند ابوالعلاء معری

نام نویسنده: محمود ابراهیمی

ناشر: دانشگاه کردستان

نوبت چاپ: اول ۱۳۸۱

تیراژ: ۲۲۰۰ نسخه

مجری: نشر باغ نو - ۲۲۷۱۳۳۳

بسمه تعالی

مقدمه شارح فارسی

بمناسبت شرح دیوان **سقط‌الزند** ابوالعلاء معری به زبان فارسی می‌خواهیم نگاه گذرا بر شرح حال او و محتوای کلی این دیوان داشته باشیم. اگر چه آنچه که در کتاب ارزشمند **تعریف القدماء با بی‌العلاء المعری** که بمناسبت هزاره ابوالعلاء انتشار یافته است ما را از هر تلاشی در این زمینه بی‌نیاز می‌نماید، زیرا در این کتاب تمام نظرات دانشمندان پیشین و بزرگان علم و ادب در همه جوانب زندگی مادی و معنوی وی جمع‌آوری و تدوین شده است که این کتاب گرانبها در سال ۱۹۴۴ میلادی زیر نظر دکتر طه حسین در قاهره انتشار یافته است. بنابراین کمتر کسی می‌تواند در زوایای زندگی وی نکات تازه‌ای را بیابد به ویژه این نابغه علم و ادب برای ایرانیان فارسی زبان نیز آشنا است چون کتاب عقاید فلسفی و رساله الغفران وی نیز به زبان فارسی ترجمه شده‌اند و در دایرة المعارف بزرگ اسلام نیز مقاله بسیار گرانبها و مفید بقلم دانشمند محتشم **شرف‌الدین خراسانی** (شرف) ج ۱۰/۶-۲۵ برشته تحریر درآمده است که مشتاقان و علاقه‌مندان بشناخت احوال بیشتر این نادره زمان و نابغه دوران و اعجوبه انسانی را بدان ارجاع میدهم ابوالعلاء احمد پسر عبدالله تنوخی در **معرة النعمان** شام در ۲۷ ربیع‌الاول سال ۳۶۳ هجری برابر ۲۶ دیسامبر ۹۷۳ میلادی بدنیا آمده است. این شهر در پنجاه مایلی حلب مرکز سوریه شمالی واقع شده است و بنای آن را بصحابی بزرگوار نعمان بن بشر نسبت میدهند. ابوالعلاء در اوان کودکی بر اثر بیماری آبله کور شد. چون در خانواده بزرگان علم و ادب و قضاء

زاده شده بود بزودی با دانشهای روز آشنا شد و بزودی با دیوان متنبی انس و الفت گرفت. و چون آوازه مرکز علم و دانش آن روز بغداد را شنیده بود مشتاقانه برای طلب دانش بدانجا سفر کرد و مدت یکسال و نیم در آنجا ماند و از محضر بزرگان آنجا کسب فیض کرد و شهرت خویش را نیز در آنجا از خود بجای نهاد و در سال چهارصد هجری به معره برگشت و عزلت گزید و خود را "رهین المحبسین": خانه و کوری نامید. از همه کشورهای اسلامی طالبان علم و ادب بمحضرش شتافتند از جمله دانشمند و ادیب بزرگ ایرانی خطیب تبریزی و سرانجام در سال ۴۴۹ هجری در معره دار فانی را وداع گفت و در حدود هشتاد شاعر بزرگ در سوگ وی قصاید بسیار غرا سرودند.

برای وی در حدود هفتاد و نه تألیف و اثر برشمرده‌اند و بعضی یکصد عنوان گفته‌اند که بیشترینش از میان رفته است و از جمله آثار برجای مانده او بشرح زیر نام برده‌اند: دیوان سقط‌الزند. دیوان "لزوم مالایلم یا اللزومیات" رسائل ابی العلاء المعری، رسالة الهناء، رسالة الملائكة، رسالة الصاهل والشاحج، رسالة الغفران والفضول والفايات.

دیوان سقط‌الزند متضمن یکصد و دوازده ۱۱۲ قصیده است که سی و یک ۳۱ قصیده از آنها درعیه است و مجموع ابیات این دیوان در حدود ۲۰۲۱ بیت است.

همه قصاید از نظر کوتاهی و بلندی یکسان نیستند که قطعات دوبیتی تا قصاید طولانی هشتاد بیتی را دربرمی‌گیرند و از بحور شعری قوی دم‌تین استفاده کرده است که ۳۶ قصیده را در بحر طویل و ۱۹ قصیده را در بحر بسیط و ۱۱ قصیده را در بحر سریع و ۹ قصیده را در بحر خفیف و ۴ قصیده

را در بحر متقارب و ۳ قصیده را در بحر منسرح و یک قطعه را بصورت رجز گفته است و در دیگر بحور شعری در این دیوان شعر نگفته است و حروف قافیه‌ای که بیشتر مورد استفاده واقع شده‌اند بدین قرار است .

اول قافیه لام و بعد میم و سپس راء سپس دال سپس عین و نون و باء و تاء و سین سپس بطور مساوی همزه و حاء و ضاد و فاء و قاف و کاف و واو و یاء که هر یک از این دسته اخیر دوبار بکار رفته‌اند و حیم و زاء و طاء هر یک یک بار و بر قافیه حروف ث و خ و شین و نص و ظ و غ در این دیوان شعری نگفته است.

اغراض و مقاصد موردنظر در سقط‌الزند بدین قرار است که توصیف در آن بیش از دیگر اغراض است و مجموعه درعیات که ۳۱ قطعه است تماماً در وصف درع زره جوشن و سلاح است و از جمله اغراضش مدح است مانند قصیده لامیه‌ای که دیوان را بدان می‌آغازد و در مدح امیر حمدانی ابوالفضل سعیدالدوله است که فاطمیان را از حلب داند و قصاید سه‌گانه‌ای که در مدح شریف علوی ابوابراهیم محمدبن احمد است و متضمن شش مرثیه درباره خویشاوندانش و یک فقیه حنفی و نقیب‌الاشراف بغداد است و قصاید فخریه‌ای نیز بسبک و شیوه متنبی دارد و بقیه آن درباره تعزیه و پوزش خواهی و مطارحات شعری است.

اینک نگاه گذرا بر اغراض شعری وی در این دیوان

۱- مدح :

ابوالعلاء از کسانی نبود که طالب مال و مقام دنیا باشد پس برای صله یا جاه شعری نگفته است و مدایحش درباره خویشاوندان و کسانی است که پیوند روحی با آنان داشته است .

مانند علویان و جز در موارد نادر مدح را با نسیب شروع نمی‌کند و در موارد اندکی که به نسیب شروع می‌کند بدنبال آن بوصف مرکب و دشواریهای سفر و خستگی مفرط مرکب می‌پردازد و این مرکب وی گاهی قایقی است که بر روی دجله با آن به بغداد رفته است و از فقیه معروف شافعی بنام ابوحامد اسفرائینی مدح می‌کند که مرکب سفرش یعنی قایق را به وی برگردانده است به قصیده ۴۰ مراجعه شود. و گاهی مجبور شده است که از امیری مدح کند و گاهی طریق مبالغه را پیش گرفته و لیکن تلاش کرده است که نام ممدوح را بصراحت نگوید تا بزودی فراموش شود و عذر خویش را نیز تازه کار بودنش در شعر عنوان می‌کند به قصیده ۲۷ مراجعه شود و لیکن در مدح اهل علم و ادب بسیار نیکو وارد مطلب میشود تو گوئی که آن را عار میدانند به قصیده ۲۶ مراجعه شود.

۲- فخر

در این دیوان چهار قصیده فخریه وجود دارد که بلندترین آنها قصیده شانزدهم است که لامیه مشهور اوست و با این مطلع شروع میشود: *الافی سبیل المجدمانا عل در این قصاید از خصایل ذاتی خود بیشتر سخن می‌گوید و کمتر بغیر می‌پردازد، و خانواده و اصل خود را مطرح می‌کند. او بر خلاف فخریات متنبی عملاً با این مسایل که بدانها افتخار می‌کند روبرو نشده است و بیشتر جنبه نمایشی و تمرینی دارد.*

۳- در این دیوان شش مرثیه وجود دارد که سه تا در سوگ خویشاوندان و پدر و مادرش است و یکی درباره یک فقیه حنفی که او نیز از قبیله تنوخی است می‌باشد.

و پنجم و ششم نیز در سوگ دو شخص علوی است یکی شریف حلبی بنام ابوابراهیم محمد بن احمد موسوی که بنظر میرسد شاعر بوده است و سه قصیده مدحیه نیز درباره وی دارد و دیگری نقیب الاشراف بغداد پدر شریف رضی و شریف مرتضی است که بهنگام اقامت ابوالعلاء در بغداد وفات کرده است که گرایش تشیعی وی را تا حدی نشان می دهد. البته نمی توان گفت ابوالعلاء شیعه بوده است چون در لزومیات انتقاداتی دارد نسبت به تشیيع ولی بهر حال گرایش به آل بیت حتماً دلیل بر شیعه بودن نیست بلکه وظیفه هر مسلمانی است.

بهر حال مرثیه های وی درباره شاهان و امیران نیست بلکه درباره خویشاوندان نسبی یا روحی است.

۴- درعیات در حدود سی و یک قطعه از سه بیتی گرفته تا ۶۲ بیتی می باشند که محور همه آنها درع و چیزهای مربوط به سلاح است اگرچه هرگز ابوالعلاء ناچار پوشیدن درع و هیچ سلاحی نشده است ولی بیشتر جنبه بیان مهارت و حذاقت لغوی دارد و خواسته است که لغت و زبان عربی را در قالب توصیف درع و سلاح و غزلها تدریس کند.

ادیب بزرگوار محمد الیعلاوی در مقاله مفصلی در کتاب اشتات فی اللغة والادب والنقد این موضوعات چهارگانه دیوان سقط الزند را به تفصیل و بسیار باریک بینانه بیان نموده است که مراجعه بدان برای علاقه مندان به تفصیل بیشتر ضروری است. در این مقدمه مختصر بیش از این مجال سخن از ابوالعلاء و آثار وی نیست زیرا بنا بقول یعلاوی تا سال ۱۹۶۷ مصطفی صالح در کتاب خود بنام البیلو غرافیه النقديّة ۵۸۸ کتاب را بر شمرده است که درباره ابوالعلاء و آثار وی سخن گفته اند.

شروح سقطالزند بزبان عربی : و دیگر منابع از این اثر به عنوان دیوان اشعار جوانی ابوالعلاء یاد کرده‌اند (نک : قفطی ۶۲/۱ ، یاقوت ۱۰۶/۳) اما با مراجعه به آن . به اشعاری از دوران کهولت وی و زمان اقامت او در بغداد و پس از آن را نیز برمی‌خوریم این اثر که در تبریز (۱۲۷۶ هـ ق) و نیز در بولاق (۱۲۸۶ هـ ق) ضمن شرح التنویر به چاپ رسیده . این دیوان دارای شروح متعددی است . ابوالعلاء خود شرحی با عنوان ضوء السقط بر این دیوان داشته که در بیروت (۱۸۸۴ م) به کوشش شاشقمر همراه با سقطالزند در قاهره (۱۳۱۹ هـ ق) به چاپ رسیده است از دیگر شروح این دیوان می‌توان اینها را برشمرد : شرحهای خطیب تبریزی . بطلیوسی و خوارزمی که تحت عنوان شروح سقطالزند به کوشش طه حسین (قاهره ۱۹۴۵ م) به چاپ رسیده است . شرح ابویعقوب خویی با عنوان شرح التنویر علی سقطالزند (تبریز ۱۲۷۶ هـ ق) شرح اخسیکتی ، واحدی و فخرالدین رازی (برای اطلاع بر این شروح و سایر شروح دیوان ، نک : انور جنیدی ۷۶۷/۲ - ۷۷۴)

دائرةالمعارف بزرگ اسلامی ج ۱۳/۱ .

دائرةالمعارف بزرگ اسلام ۱۰/۶ - ۲۵ .

ابوالعلاء معری : بقلم شرف‌الدین خراسانی (شرف) .

والسلام علی من اتبع الهدی

محمود ابراهیمی دانشگاه کردستان - سنندج